واضح بودن تعدد قرائات در میان صحابه و تابعین و قرون اولیه اسلامی

شاگرد: در کتابهایی که تا به حال نوشته شده آیا ما چنین چیزی داریم که به هفت نوع نوشته شده باشد؟ بگویید که منظور من هم این است و هم این است. همیشه اختلافات در نسخ بوده. ما چنین چیزی نداریم، نه در روایات داریم و نه در کتب داریم، این چیزی که به هفت قرائت بیایید تنها در قرآن بوده؟ از راول خارج است. اگر وحی به هفت وجه قرائت شده باشد، تنها در قرآن خواهد بود. چون نه در روایات داریم و نه در کتب معمولی.

استاد: در نقلی که از علامه طباطبایی در کتاب مهر تابان شده بود، ایشان رمز این را عرض سنوی قرآن گرفته بودند. البته در کلام ابن قتیبه در قرن سوم هم موجود است. ولی علامه طباطبایی در آخر یک جملهای دارند که ابن قتیبه ندارد. ایشان میگویند رمز اینکه جبرئیل هر سال بر حضرت عرض میکرد و حضرت هم برای او میخواندند –روایتش دو جور است- این است که هر سالی که قرائت میشد قرائت خود جبرئیل با سال قبل فرق میکرد. بعد هم میگویند اینکه قرائت ابی معروف شده، اصلاً اینطور نیست. خود ابی چند مصحف و چند قرائت داشت. ابن مسعود هم همینطور بود. الآن ابن مسعود در سند عاصم قرار گرفته که ما میخوانیم و خودش هم مصحف دارد.

کتاب معانی القرآن فراء برای قرن دوم است. فراء اوایل قرن سوم وفات کرده. فراء در کتابش مکرر در مکرر میگوید «رایت فی مصاحف عبد الله»، «رایت فی مصحف عبدالله». یعنی آنها در دستها بوده که فراء همه آنها را میگوید. کتابش هم الآن موجود است.

بنابراین رمز اینکه یک کتاب چندبار خوانده شود، در بیان صریح علامه طباطبایی این است که میگویند ملک وحی آن را چند بار میآورد. و هر سال میآمد تا تفاوتها را بگوید. این در هیچ جا نیست؛ اگر شما در غیر کلام علامه طباطبایی پیدا کردید به من هم بگویید؛ نکته اختصاصی ایشان است؛ البته در مباحثه، عرض سنوی را طور دیگری معنا کردم. فایلهای آن هست. ولی ایشان میگویند رمز اینکه سال آخر جبرئیل دو بار عرضه کرد...؛ لذا حضرت فرمودند ویشک ان اقبض؛ اینچنین است که امسال سال آخر عمر من باشد، چون جبرئیل دوبار قرآن را بر من عرضه کرد؛ آقای طباطبائی میگویند یعنی حتی عرض پارسال با این سالی که شهادت حضرت پیش میآید دو نوع بود. اگر دو تا نبود که نیازی به عرض مجدد نبود. این نکته را ایشان در اینجا میگویند. موید آن هم حدیث جزیره خضراء بود که مرحوم مجلسی در بحارالانوار فرمودهاند. در خزینه نجف اشرف نسخه عتیقه ای از این جزیره خضراء هست. خب جزیره خضراء مواقف و مخالف دارد. همه شنیدهاید. کتابهایی بر رد آن نوشته شده و کتابهایی بر اثبات آن نوشته شده. اما همان عرضی که داشتم در اینجا هم هست. یعنی روایت جزیره خضراء بین سنی ها نبوده. در نجف بوده. بین شیعه بوده. خود صاحب فصل الخطاب در نجم الثاقبشان روایت جزیره خضراء را برای ما ترجمه فارسی کردهاند. در این کتاب جزیره خضراء همین فرمایش شما را دارند.

علی بن فاضل مازندرانی که به جزیره خضراء رفته بود، می‌گوید وقتی خدمت سید شمس الدین رسیدم -که می‌گفتند از نوادگان حضرت است- حال که در اینجا که محضر شما هستم برخی از مسائل مختلف فیه شرعی و مسأله اختلاف قرائت را تطبیق بده‌یم. او گفت که ابتدا از قرآن شروع کنیم. اول از قرآن شروع کردند. او وارد بود. خب در آن زمان علم رایجی بوده. می‌گوید هر چه می‌خواندم می‌گفتم عاصم به این صورت قرائت کرده، حمزه به این صورت قرائت کرده، نافع به این صورت قرائت کرده، او گفت **«انا لانعرف هوالاء»**؛ ما در جزیره خضراء نافع و عاصم نمی‌شناسیم. بعد توضیح داد و گفت «نزل القرآن علی سبعة احرف»، مکه و مدینه و ... همه بود. سال آخر عمر مبارکشان حضرت خواص از صحابه را صدا زدند؛ اسم هم می‌برد. اصلشان امیرالمؤمنین علیه‌السلام بود. جبرئیل آمد و مطابقت می‌کرد. «کلما مر بموضع فیه اختلاف بیّنه جبرئیل»؛ تبیین می‌کرد. نه اینکه بگوید یکی از آن‌ها است. تبیین کرد که این برای این است و این برای این است و خصوصیت این را دارد. یعنی قرائاتی که در سال‌های مختلف خود ملک وحی متعدد آورده بود را ذکر کرد.

بعد چه فرمود؟ جمله آخری ایشان است. گفت: **«فالکل قرائة امیرالمؤمنین»**؛ این هایی که می‌بینی –نافع و ... چه کاره اند- تمامش قرائت امیرالمؤمنین است. یعنی همانی است که ابن شهر آشوب در مناقب گفتند. گفتند کل قراء سبعه ترجع قرائاتهم الی امیرالمؤمنین.

این خیلی اهمیت دارد که ذهن ما در فضایی برود که قبلاً مأنوس بوده و فضای ما خلاف آن است. به فضایی برود کسانی که آن زمان بودند نزد اذهانشان یک امر واضحی بود که همه این قرائات را ملک وحی آورده است. نه زمان ما که نوع اذهان از این ابا‌ء دارد. خود علامه که در مجلس خصوصی گفتند، در کل المیزان یک جا اسم از آن نبرده اند. ایشان یک عمر مشغول بودند. از اول جوانی‌شان مشغول نوشتن بودند. هیچ کجا این را نگفته اند. ولی خب الآن آن فایل بیرون می‌آید که در بیست جا ایشان خلاف قرائت رایج را اختیار کرده. یعنی مختار ایشان در قرائت غیر از رایج شده است. این‌ها مواضعی است که در تحقیقات بعدی روشن شده است و الا خود ایشان هم نگفته اند.

ولی سابقا به این صورت نبوده است. یعنی در قرن اول، در قرن دوم تا قرن یازدهم، قبل از مجلسی اول تا اندازه‌ای که ما رجوع کردیم ذهنیت‌ها به این صورت نبوده. البته شما تتبع خودتان را ادامه بدهید. هر چه هم علیه این‌ها است ذکر کنید و برای ما هم بفرمایید.

«و فیه بُعد»؛ وجوهی که در ذهنم بود را گفتم. بقیه آن هم انشالله با ذکر شواهد ادامه پیدا می‌کند.

بازبینی #2
ایجاد شده 27 آوریل 2024 12:17:59 توسط ... .
به روزرسانی شده 3 ژوئن 2024 13:42:32 توسط ... .